

سرقت

رد اموال مسروقه

موضوعیکه بنا بر تباط کامل آن با کتاه سرقت در اینجا مورد بحث قرار میگردد تعیین تکلیف اشیاء مسروقه می باشد.

همانطوریکه گفته شد سارق سعی دارد مالک حقیقی را از تمام منافع مالش محروم نماید اما قادر نیست او را از مالکیت آن مال محروم کرده زیرا حق مالکیت غیر قابل سرقت بوده و بنا بر این با وجود وقوع سرقت مالکیت مال مسروقه تغییر نمیکنند و مالک پس از انجام سرقت ذیهق در اخذ مال مسروقه خود بوده و میتواند برای بدست آوردن عین مال مسروقه و با قیمت آن علیه سارق اقامه دعوی نماید.

اصل نامبرده ظاهراً استثنائی دارد و آن در وقتی است که سارق عین مال مسروقه را تلف و یا آنرا بچیز دیگری تبدیل کرده است.

در مورد اخیر الذکر که سارق مال مسروقه را بصورت دیگری در آورده مثل آنکه از جو مسروقه آبیجو ساخته و یا از الوار مسروقه خانه بنا کرده است مشارالیه در شیشی که اساس مال مسروقه میباشد حق مالکیت پیدا نموده و مالک مثل موردیکه مال مسروقه تلف شده جاره جز مطالبه خسارت ندارد. ولی بادقت بیشتر معلوم میشود که مقررات نامبرده استثنائی بر اصل کلی که مالک در صورت وقوع سرقت از مالکیت مال مسروقه محروم نمیشود نبوده زیرا در موردیکه سارق مال مسروقه را بشکل دیگری در آورد بواسطه عمل سرقت خللی بمالکیت مالک وارد نیامده بلکه عمل بعدی سارق مالک را از مالکیت مال محروم کرده است.

چون سارق مالک مال مسروقه بشمار نمیرود نمیتواند حق مالکیت نسبت بمال مسروقه را بدیگری عطا نماید و

بعبارة اخری چیزی را که خود نداشته قادر نیست بدیگری واگذار کند بنا بر این مالک اصلی میتواند علاوه از سارق کسانی را هم که بدشان متعلق از بد سارق است اعم از اینکه خریده و یا بجانا و بلا عوض بدست آورده باشند تعقیب کرده و عین باقیمت مال مسروقه را مطالبه نماید.

احتیاجات تجاری و لزوم حمایت قانونی بعضی از معاملات و خریداران باعث شده که باصل کلی نامبرده (خریداران اموال مسروقه مالک آن مال نمیشوند) دو استثناء که یکی بستگی بنوع مال مسروقه داشته و دیگری بادر نظر گرفتن محل وقوع معامله پیش بینی شده وارد آید.

دو فقره استثناء نامبرده عبارتند از:

۱- پول یا اوراق بهادار.

۲- معاملاتیکه در بازار علناً انجام میشود.

بنابر این شخصی که بدون اطلاع از مسروقه بودن مالی آنرا بقیمت عادلانه میخرد و یا در عوض جنسی قبول میکند بشرطی مالک آن مال میشود که مال مسروقه پول یا اوراق بهادار بوده و یا معامله علناً در بازار انجام شده باشد.

۱- پول یا اوراق بهادار

برای تضمین جریان مسکوکات رایج پول مسروقه که در مقابل بهاء متاعی بفروشنده که از مسروقه بودن آن اطلاعی ندارد داده شده اگر چه عین پول مورد دعوی سرقت مشخص بوده قابل استرداد نمی باشد. معذک آن سارق پول مسروقه را بطور فراوانی بفقیری داده و یا در مقابل شرط بندی رقیقتش پرداخته و یا اجناسی خریده و فروشنده آن اجناس علم بمسروقه بودن پول مورد معامله داشته است مالک میتواند آن پول را از اشخاص نامبرده مطالبه نماید.

ولی اگر مسکوک مسروقه نه بعنوان پول رایج و بلکه بعنوان مال منقول معامله شده است و خریدار در مقابل قیمت آنرا خریداری نموده است شامل این استثناء نبوده و مالک اصلی میتواند خریدار مسکوک را تعقیب و عین یا قیمت مسکوک را از او بخواهد.

موقعیکه بموجب قانون تجارت اسکناس و سایر اوراق بهایار بیش بینی گردید امتیازات مسکوک در تحت قیودی شامل آن اوراق نیز شده است. بنا بر این کسی که اسکناسی را در خیابان پیدا میکند در صورتیکه آنرا بدیگری بدهد گیرنده اسکناس مالک آن محسوب میشود.

۲- معاملاتی که در بازار علناً انجام میشود

از آنجائیکه در قرون وسطی اشخاص از نقاط دور برای خرید و فروش بازارها و مخصوصاً جمعه بازارها میآمده و خریداران نمیتوانسته اطلاعات صحیحی از وضعیت اخلاقی فروشندگان و وسیله که مال مورد معامله بدست آنها افتاده داشته باشند لازم بود مقررات استثنائی در این مورد بیش بینی شود.

بنابراین اگر کسی در بازار و در جائیکه قانوناً محل فروش اجناس معینی بوده با حسن نیت و بقیمت اشیائی از قبیل حیوانات، ملبوس و مویشی، خریداری میکرده معامله مزبور قانونی محسوب شده و مالک اصلی دیگر حق مطالبه مال مسروقه را نداشت.

این استثناء از نظر علنی بودن معامله و ندرت سوء استفاده از آن تصور نمیرفت کمک مؤثری برای سارقین نباشد. حالیه بموجب قانون بعدی استثناء نامبرده بدین طریق محدود شده که اگر چه معامله در بازار علناً واقع و مالک اصلی از مالکیت مال مسروقه خود محروم شده باشد در صورتیکه سارق ویادارنده مال مسروقه بکنام سرقت ویادربافت مال مسروقه با سوء نیت محکوم گردید مالک اصلی مجدداً مالکیت خود را نسبت بآن مال بدست میآورد.

برای خلاصی مالک از تأدیه مخارج و اشکالات محاکمه جدیدی بدادگاه جزاء که حکم محکومیت سارق را

صادر مینماید اختیار داده شده است که برداموال مسروقه نیز حکم بدهد اما فقط نسبت باشیائی چنین اختیاری داده شده که مسروقه بودن آنها در ادعای صریحاً قید شده و در دادرسی هم ثابت شده باشد.

حکم رد اموال مسروقه حق جدیدی برای مالک اصلی نبوده و بلکه صرف محکومیت متهم بسرقت اثر فروش در بازار را از بین میبرد ولی این حکم بمالکیت مالک اصلی عطف بمسابق نشده و بنا بر این اگر دارنده فعلی شیئی مورد دعوی سرقت خریدار اصلی در بازار نیست مالک اصلی حق مراجعه با یادی ماقبل کسی را که فعلاً شیئی مسروقه را در تصرف دارد پیدا نمینماید.

نتیجه میتوانیم بگوئیم که بعد از محکومیت متهم بسرقت مالک اصلی میتواند در صورتیکه مال مسروقه اش پول و یا اوراق بهادار دیگر نبوده از دادگاه حکم رد آن اموال را بخواهد. حتی در مورد پول و یا اوراق بهادار هم اگر سارق با پول و یا اوراق مسروقه نامبرده کالائی خریدند مالک اصلی میتواند آن کالا را مطالبه کند زیرا مالکیت مالک منحصر بشیئی معینی نیست که بدو بمشارالیه تعلق داشته و بلکه شامل اشیائی نیز میشود که در نتیجه معاوضه و یا فروش شیئی اصلی تحصیل شده است.

قواعدی که فوقاً راجع برد اموال مسروقه بیان شد شامل موردی که متهم بسرقت تبرئه شده - شیئی مورد دعوی سرقت در ادعای صریح نگردیده و یا وقتیکه مال مسروقه بدون دستگیری سارق بدست مأمورین کشف جرائم افتاده نبوده ولی قانوناً دادگاه خلاف اجازه دارد مالی را که مأمورین نامبرده با رابطه بانتهای در تصرف دارند بکسی که ظاهراً مالک آن اموال تصور میروند بدهد - پس از گذشتن ۶ ماه از تاریخ صدور چنین حکمی کسی که مال مورد دعوی سرقت را گرفته قانوناً صاحب قطعی آن بشمار میروند.